

طبقه‌بندی قصه/داستانهای سنتی فارسی
(نقد و بررسی، شکل‌شناسی و گونه‌شناسی داستانهای فارسی)

دکتر حسن ذوالفقاری^۱

چکیده

گونه‌شناسی موجب شناخت بهتر، کامل‌تر و دقیق‌تر هر موضوعی است و یکی از روشهای علمی به شمار می‌آید. داستانهای فارسی با تمام وسعت، اهمیت و گذشته آن، تاکنون طبقه‌بندی جامعی نشده است. ایراد اساسی طبقه‌بندیهای موجود، به رغم تعدد و فراوانی، آمیختگی و دقیق نبودن آنهاست. اغلب طبقه‌بندیهای انجام شده چون از یک دیدگاه یا اعتبار خاص صورت نگرفته‌اند، موجب درهم ریختگی و آمیختگی انواع داستانها شده است. این مقاله، صرفاً طبقه‌بندی، نقد و بررسی، شکل‌شناسی و گونه‌شناسی داستانهای سنتی فارسی است. در اینجا پس از تبیین مسأله و پیشینه آن، آرای مهم‌ترین قصه‌شناسان و قصه‌پردازان ایرانی را گزارش و نقد و بررسی می‌کنیم، سپس آرای قصه‌شناسان غیر ایرانی را بررسی و ارزیابی می‌کنیم تا وضعیت حال را توصیف و تشریح کرده باشیم. آن‌گاه بر اساس همین طبقه‌بندیها و با دادن نظم و سامان مناسب و برخی ملاحظات و توضیحات، طبقه‌بندی جامعی را به یازده اعتبار ارائه می‌دهیم. این طبقه‌بندی نقد، تحلیل و تطبیق را در پژوهشهای داستانی کلاسیک، سهولت می‌بخشد. یازده اعتبار پیشنهادی عبارتند از: ۱. قالب، ۲. ساختار روایت، ۳. مضمون و درون‌مایه، ۴. حوادث، ۵. هدف، ۶. منشأ، ۷. پایان، ۸. سطح ادبی، ۹. قهرمانان، ۱۰. نحوه ارائه، ۱۱. حجم. **کلید واژه‌ها:** ادبیات داستانی، طبقه‌بندی، گونه‌شناسی، قصه، داستان، ساختار، قالب، مضمون، درون‌مایه.

جستارهای ادبی - مجله علمی - پژوهشی، شماره ۱۳۳، پائیز ۱۳۸۸

zolfagari_hasan@yahoo.com

۱- استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس

۱- مقدمه

یکی از زمینه‌های مطالعه علمی درباره داستانهای فارسی، دسته‌بندی و طبقه‌بندی علمی، منطقی و مناسب آنهاست. با گونه شناسی جامع و همه جانبه، می‌توان به ابعاد و زوایای پیدا و پنهان داستانها پی برد؛ آنها را به خوبی شناخت و از حاصل تحقیق در نقد داستان، یافتن مشابهتهای داستانی و مطالعات ادبیات تطبیقی سود جست. گونه‌شناسی داستانها ابزاری برای شناخت بهتر داستان است. به رغم کثرت، شهرت، وسعت و پیشینه داستانهای فارسی، تاکنون به شکل جامع و همه جانبه، طبقه بندی نشده اند. بیشتر پژوهندگان و قصه‌شناسان تنها از یک بُعد، به طبقه‌بندی دست زده‌اند. محجوب ضمن دشوار توصیف کردن طبقه‌بندی داستانها، آن را بیشتر تابع سلیقه تقسیم کننده می‌داند:

«تقسیم‌بندی داستانها و افسانه‌های کوچک و بزرگی که از قرون خالیه به ما رسیده است - چنان‌که در بادی امر ممکن است در نظر آید- کاری ساده و آسان نیست؛ زیرا آنها را می‌توان از جهات گوناگون و با در نظر گرفتن مشخصات مختلف طبقه‌بندی کرد و چون تاکنون چنین کاری صورت نگرفته است، عیب و حسن هر یک از انواع طبقه‌بندیها به درستی روشن نیست؛ به علاوه بر این مسأله کاملاً نظری و تابع سلیقه تقسیم‌کننده است و ممکن است هرکس به مقتضای ذوق خویش یک نوع تقسیم‌بندی را بپسندد و آن را بر نوع دیگر رجحان دهد.» (محجوب، ۱۳۸۶: ۷۳).

در این مقاله ابتدا به نقد و بررسی آرای پژوهشگران و قصه‌شناسان و معرفی روشهای طبقه‌بندی آنان می‌پردازیم. آرای قصه‌شناسان ایرانی (قدیم و جدید) و غیر ایرانی را در سه بخش به تفصیل تبیین و تشریح می‌کنیم تا نقاط قوت و ضعف کار آنان معلوم گردد. آنگاه طرح جامعی از طبقه‌بندی قصه‌ها ارائه می‌دهیم که ضمن در نظر گرفتن تمامی انواع قصه از جهات مختلف، آرای قصه‌شناسان را نیز در برگیرد.

۲- پیشینه

اگرچه قصه و قصه‌پردازی در ایران دیرپاست، در میان قصه‌پردازان گذشته، اشاره‌ای مبنی بر طبقه‌بندی انواع داستان نمی‌یابیم. تنها از روی شیوه تبویب آثارشان می‌توان به دیدگاه نظری آنان پی برد. اولین گامها را در جهت طبقه‌بندی داستانهای عامیانه، محمدجعفر محجوب (فوت ۱۳۷۴) برداشت و در

مقالات و سخنرانیهای خود (محبوب، ۱۳۳۸) به ضرورت آن پرداخت؛ البته طبقه‌بندی پیشنهادی وی تنها طرح مسئله و در چارچوب یک پیشنهاد است. قدمعلی سرّامی در فصل سوم کتاب از رنگ گل تا رنج خار (صص ۵۸-۹۹)، برای شکل‌شناسی داستانهای شاهنامه، آنها را از زوایای مختلف طبقه‌بندی می‌کند که تعمیم این دسته‌بندیها به ادبیات داستانی فارسی نیز ممکن است. تاکنون طبقه‌بندی جامعی از داستانهای فارسی در تحقیقات قصه‌شناسی صورت پذیرفته و موضوع مقاله تازگی دارد. از این پس می‌کوشیم با طرح آرای قصه‌پردازان سنتی ایرانی و غیر ایرانی، با توجه به گوناگونی قصه‌های فارسی، طبقه‌بندی قابل تعمیم و قبولی ارائه دهیم.

۳- آرای قصه‌پردازان و پژوهشگران

۳-۱: قصه‌پردازان سنتی ایرانی

کتاب **الفرج بعد الشدة** (تالیف ۳۷۳ ق) به عربی نوشته ابوعلی محسن تنوخی (۲۸۷-۳۸۴) است. ابتدا عوفی آن را به سال ۶۲۱ ق. به نام **جوامع الحکایات** ترجمه می‌کند. از ترجمه مستقل عوفی نسخه‌ای در دست نیست، ولی سه چهارم داستانهای آن در لابه لای جوامع الحکایات درج شده است (آته، ۲۳۱). دیگر بار محمد بن اسعد دهستانی سی سال بعد از عوفی، بین سالهای ۶۵۱ ق تا ۶۶۳ ق کتاب را در سیزده باب و با ۲۱۵ داستان، با افزودن برخی حکایتها به نام **ترجمه فرج بعد الشدة** به نثری روان ترجمه می‌کند. سیزده باب کتاب بر محور گروه داستانهای شگفت‌انگیز و براساس تیهها است و چنان‌که از نام آن برمی‌آید، سرگذشت کسانی است که پس از تحمل یک دوره سختی و دشواری به آسایش و گشایش دست یافته‌اند؛ مثل کسانی که به برکت قرآن از خطر رها شده‌اند؛ کسانی که پس از محنت به نعمت رسیده‌اند؛ زندانیان رها شده؛ محنت کشیدگانی که با خواب رها شده‌اند؛ به مرگ نزدیک شدگانی که نجات یافتند؛ بیمارانی که شفا یافته‌اند؛ دزدان رها شده؛ عاشقان به مراد رسیده. کتاب **جوامع الحکایات و لوامع الروایات** (نگارش ۶۳۰ ق) اثر معروف سدیدالدین محمد عوفی (فوت ۶۳۰ ق) و شامل ۲۱۱۳ حکایت تاریخی، ادبی در احوال شعرا، اولیا و

طبقات مختلف است که طی پنج سال فراهم آمده و در تألیف آن از ۹۳ مأخذ استفاده شده است. کتاب شامل چهار قسم و صد باب (هر قسم ۲۵ باب) است.

روش عوفی طبقه‌بندی داستانها بر دو اساس تیپ‌شناسی قهرمانان و موضوعی است. یک چهارم کتاب به شیوه پرداخت طبقاتی است و سه چهارم بقیه، شکل موضوعی دارد. در قسم اول داستانهای ۱۵ تیپ اجتماعی بیان می‌شود و در قسمهای دوم و سوم به ترتیب درباره ۲۵ خُلق ستوده و ۲۵ خُلق ناستوده، داستانهایی می‌آید و در قسم چهارم روش مختلط است که باز بیشتر تکیه بر موضوعات است.

در هر یک از چهار قسم، نویسنده گاه از روش خود عدول می‌کند و مثلاً در ذیل حکایات خُلفا فصلی در فضیلت عدل می‌پردازد (باب ششم) و یا در قسم سوم به ذکر جماعتی بد اعتقاد و بد اصل از جمله زنان (بابهای ۲۱-۲۵) می‌پردازد که خلاف رویه کلی کتاب است.

سعدی (۶۰۶-۶۹۱ق) در دو کتاب **گلستان** (نگارش ۶۵۶ق) و **بوستان** (نگارش ۶۵۵ ق) ۳۶۱ حکایت را در ۱۸ باب به شیوه طبقه‌بندی موضوعی می‌آورد. گلستان ۱۸۱ حکایت کوتاه و بلند دارد که در هشت باب توزیع شده‌اند. بوستان با ۱۸۰ حکایت در ده باب تنظیم شده است. این دسته‌بندی موضوعی، صرفاً برای هماهنگی بیشتر حکایات است و گرنه گاه برخی از حکایات با موضوع فصل تناسب ندارد؛ مثل داستان استاد کشتی‌گیر و شاگرد مغرور و لشکری مردم آزار در باب اول.

آیا سعدی که با عوفی هم عصر بوده، کتاب او را دیده است؟ شاید به دلیل مهاجرت عوفی به هند و دوری او از شیراز، سعدی *جوامع/الحکایات عوفی* را ندیده باشد، ضمن آن که روش این دو کاملاً متفاوت است. سعدی داستانها را بنابر موضوع و درون‌مایه آنها تقسیم می‌کند و عوفی بر مبنای طبقات اجتماعی.

کتاب **لطایف الطوائف** (نگارش ۹۳۸) اثر فخرالدین علی صفی (متوفی ۹۳۹)، فرزند کمال‌الدین حسین واعظ کاشفی سبزواری است. کتاب شامل ۱۴ باب، ۱۱۰ فصل و ۴۵۳ حکایت از نوادر و وقایع پنجاه گروه از طبقات و اصناف مختلف را با دقت و تیزبیتی به روش محمد عوفی جمع آورده است. روش کتاب چنان که از عنوان آن برمی‌آید بر محور شخصیتها و تیپهای اجتماعی است؛ مثل

مطایبات پیامبر با اولاد، اصحاب، زنان، کودکان؛ حکایت ائمه و معصومین و ذکر حکایت‌هایی از دوازده امام؛ لطایف ملوک، سلاطین، پادشاهان و رفتار آنان با دیگران؛ لطایف ادیبان، منشیان، ندیمان، سپاهیان، دیوانیان؛ لطایف اعراب، فصحای عرب و امثال و حکم آنان؛ لطایف عرفا، علما، قضات، فقها، واعظان و...

محمد مجدالدین مجدی حسینی، کتاب *زینت‌المجالس* (نگارش ۱۰۰۴) را در نه جزء و ۹۰ فصل (هر جزء ده فصل) و ۱۰۵۰ داستان فراهم آورده است. حسینی در مقدمه کتاب خویش، جوامع‌الحکایات را یکی از منابع خود برمی‌شمارد، اما اغلب داستانها با جرح و تعدیل از *جوامع‌الحکایات عوفی* است.

حسینی براساس موضوعات مختلف، احوال طبقات را هم ذیل هر یک ذکر می‌کند؛ چنان‌که ذیل مذمت حسد (فصل سوم جزء ششم) به مناسبت، به لطایف دزدان، عیاران و گدایان می‌پردازد. میان هر جزء با جزء دیگر تفاوت معنی‌داری دیده نمی‌شود؛ یا در جزء نهم، یک‌باره از غرایب‌طیور و مطایبات اکابر و اصاغر به ذکر سلطنت مغولان تا عصر صفویه می‌پردازد. محتوای فصلهای چهارم تا هشتم کاملاً یکی است و نیازی به فصل‌بندی جدا نبود. تنها چیزی که در این تقسیم‌بندی در نظر گردآورنده بوده، تساوی فصول و تقسیم هر جزء به ده باب مساوی است و البته تعداد صفحات و بابها کاملاً ناهماهنگ است (جزء اول و نهم هر یک ۲۸۰ صفحه، اجزای دیگر بین ۴۰ تا ۷۰ صفحه).

کتاب *نوادر الحکایات و غرایب الروایات یا بحرالنوادر* (نگارش ۱۰۴۱) اثر ملاعبدالنبی فخرالزمانی قزوینی، (متولد ۹۹۸- زنده ۱۰۴۲) مؤلف تذکره میخانه است. این کتاب که تاکنون چاپ نشده در داستانهای شگفت پیامبران، امامان، شاهان و فرمان‌روایان شامل یک مقدمه و چهار یا پنج صحیفه است که هر صحیفه دوازده باب و هر باب دوازده حکایت دارد. هیچ یک از پنج نسخه خطی کتاب (منزوی، نسخه‌ها: ۳۷۵۲/۵) کامل نیست و معلوم نیست عبدالنبی آن را به اتمام رسانده باشد (صفا، ۱۳۷۲: ۱۷۳۸/۵).

ترتیب کتاب نشان می‌دهد قصه‌ها، در عین حال که بر اساس طبقات اجتماعی تنظیم شده‌اند، نظم خاصی در آنها مشاهده نمی‌شود. هدف نویسنده جمع‌آوری نوادر حکایات شیرین و توأم با حکمت

بوده است. مهارت عبدالنّبی در قصّه‌گویی است و کتاب مشهور او با نام طرازالأخبار (خطّی سنا ۳۵۸ و تهران دانشگاه ۳۲۹۵) و دستورالفصحا (که نسخه‌ای از آن در دست نیست) در این زمینه است. کتاب **جامع‌الحکایات** مجموعه‌ای از داستانهای بلند است که بنابر نسخه کتابخانه دیوان هند (ش ۷۹۷) شامل ۵۲ داستان است و شخصی به نام محمد عظیم از مردم سند در ۱۰۲۵ق آن را تحریر کرده است. این کتاب جز جوامع‌الحکایات عوفی است. قصّه‌های این مجموعه طبقه‌بندی خاصی ندارند و درون‌مایه آنها اغلب عاشقانه است.

۳-۲: آرای قصّه‌شناسان معاصر ایرانی

محمد جعفر محجوب (۱۳۰۳-۱۳۷۴) قصّه‌شناس و متخصص فرهنگ عامّه، قصّه‌های عامیانه را به هشت دسته تقسیم می‌کند: تخیلی، با ریشه تاریخی و حماسی، قصّه بزرگان دین، تاریخی، بر محور عشق با زمینه‌های اخلاقی، اجتماعی، حیوانات و آثار بزرگان ادبی که جنبه عامیانه یافته‌اند (محجوب، ۱۳۳۸).

وی در جای دیگر (محجوب، ۱۳۸۰: ۵۴) داستانها را به چند اعتبار دیگر تقسیم می‌کند: به اعتبار چاپ: ملفوظ، مکتوب؛ به اعتبار حوصله شنونده: کوتاه، بلند؛ به اعتبار گوینده: زنان، مردان (نقالی، تعزیه) محجوب در مقاله دیگر خود (۱۳۸۶: ۱۲۷) چند اعتبار دیگر را برای تقسیم قصّه‌های عامیانه برمی‌شمارد: به اعتبار سبک نثر: ادبی مثل بهار دانش و هزار و یک شب، عامیانه: مثل رستم‌نامه؛ به اعتبار منشا: ایرانی، هندی، حماسه‌های ملی و باستانی، دینی و مذهبی، اخلاقی. در این تقسیم بندی، شماره ۵ (نوع اخلاقی)، بیانگر منشأ داستان نیست. به اعتبار نظم یا نثر بودن: منظوم: مثل خرم و زیبا، منثور مثل خاور و باختر. محجوب ضمن تأکید بر طبقه‌بندی داستانهای عامیانه، منطقی‌ترین روش را، روش موضوعی می‌داند؛ از این حیث داستانها را به انواع زیر تقسیم می‌کند: ۱. عشقی؛ ۲. دینی و ملی؛ ۳. تاریخی؛ ۴. تخیلی؛ ۵. اعجاب‌برانگیز و خنده‌آور (محجوب، ۱۳۸۶: ۱۷۴).

اما این طبقه بندی صرفاً موضوعی نیست؛ تخیلی یا اعجاب‌برانگیز و خنده‌آور بودن به موضوع ارتباط ندارد، بلکه به نوع حوادث داستان مرتبط است.

جمال میرصادقی (متولد ۱۳۱۲) قصه‌نویس و قصه‌شناس ایرانی، شاید بیشترین پژوهشها را با دو کتاب عناصر داستان (۱۳۷۶) و ادبیات داستانی (۱۳۷۶) به عمل آورده باشد. وی ادبیات داستانی را به انواع زیر تقسیم می‌کند:

۱. قصه شامل: ۱. اسطوره، ۲. حکایت اخلاقی، ۳. افسانه تمثیلی، ۴. افسانه پریان، ۵. افسانه

پهلوانان

۲. داستان کوتاه شامل: داستانک، داستان بلند

۳. رمان شامل: رمان کوتاه، ناولت

۴. رمانس شامل: رمانس روستایی، رمانس شهبواری، رمانس عاشقانه

میرصادقی قصه‌های مشهور متون ادبی قبل از مشروطه را با توجه به جنبه غالب آن به شیوه

محتوایی شامل موارد زیر می‌داند:

۱. قصه‌هایی در فنون و رسوم کشورداری؛ مثل سیاست‌نامه، قابوس‌نامه، نصیحه‌الملوک.

۲. قصه‌های اولیا، کرامات و احوال و مقامات صوفیه و عرفا؛ مثل اسرارالتوحید، تذکرةالاولیا.

۳. قصه‌های عرفانی، فلسفی و دینی تمثیلی؛ مثل عقل سرخ، رساله الطیر.

۴. قصه‌های واقعی - تاریخی - اخلاقی؛ مثل مقامات حریری، گلستان.

۵. قصه‌های تاریخی؛ مثل قصه‌های تاریخ بیهقی و تاریخ بیهق.

۶. قصه‌هایی از زبان حیوانات؛ مثل کلیله و دمنه، داستانهای بید پای، مرزبان‌نامه.

۷. قصه‌های با محتوای گوناگون؛ مثل جوامع‌الحکایات.

۸. قصه‌های حاوی سرگذشت‌نامه‌ها مثل چهار درویش.

میرصادقی قصه‌های عامیانه را به دو گروه کوتاه و بلند تقسیم می‌کند و قصه‌های بلند عامیانه را با

توجه به زمینه‌های آن و بن‌مایه‌هایشان شامل انواع زیر می‌داند:

۱. عاشقانه، عاطفی و عدالت‌خواهانه؛ مثل سمک‌عیار.

۲. دینی و مذهبی؛ مثل اسکندرنامه، ابومسلم‌نامه، حسین‌کرد.

۳. متنوع با منشأ هندی؛ مثل طوطی‌نامه، کلیله و دمنه، هزار و یک شب.

وی هم چنین در کتاب *عناصر داستان*، ذیل بخش هفتم، موضوع را شامل پدیده‌ها و حوادثی می‌داند که داستان را می‌آفریند و درون‌مایه را تصویر می‌کند. آن‌گاه بر این اساس، موضوع داستانها را در پنج گروه می‌آورد:

۱. داستانهای حادثه‌پردازانه با سه‌گونه: تام، لطیفه‌وار، لطیفه‌وار تیبیک

۲. داستانهای واقعی

۳. داستانهای وهمناک

۴. داستانهای خیال و وهم (فانتزی) شامل داستانهای علمی، تمثیلی، نمادین و سورئالیستی

۵. داستانهای واقع‌گرایی (رنالیسم) جادویی

روشن رحمانی (متولد ۱۹۵۴) قصه پژوه تاجیک در کتاب *تاریخ نشر افسانه‌های مردم فارسی زبان* (۱۳۸۰) قالبهای نشر شفاهی را شامل موارد زیر می‌داند: ۱. افسانه؛ ۲. اسطوره؛ ۳. حکایت‌های اسطوره‌ای؛ ۴. قصه؛ ۵. روایت؛ ۶. نقل (حکایت‌های شفاهی)؛ ۷. لطیفه؛ ۸. نثر روایتی (رمانهای پهلوانی، قصه، حکایت، مثل). وی افسانه‌ها را در کتاب دیگر خود، *افسانه‌های دری*، به پنج قسم و در کتاب *تاریخ نشر*، به چهار گروه تقسیم و بررسی می‌کند که حاصل آن هشت گروه افسانه‌های زیر است: ۱. سحرآمیز؛ ۲. مثلها؛ ۳. معیشتی (نول، رئال، واقعی، اجتماعی)؛ ۴. عشقی؛ ۵. سرگذشتی؛ ۶. هجوی؛ ۷. طنزی؛ ۸. تمثیلی. رحمانی نثر روایتی را شامل چهار گروه می‌داند: ۱. رمانهای پهلوانی؛ ۲. قصه؛ ۳. حکایت؛ ۴. مثل.

۳-۳: آرای قصه شناسان غیر ایرانی

آنتی آرنه، پژوهشگر مشهور فنلاندی، در سال ۱۹۱۵ براساس تپها، فهرستی به نام «فهرست تپ‌های قصه» تهیه کرد. این فهرست براساس روش ده دهی دیوئی عمل می‌کند؛ چنان که برای هر تپ یک شماره اصلی در نظر می‌گیرد که این شماره خود زیر مجموعه‌هایی را در برمی‌گیرد. فهرست آرنه تا ۲۵۰۰ رقم است که برای تپهای جدید جای خالی وجود دارد. تمامی تپها از ۱۰۰۰ تجاوز نمی‌کند. بعدها استیث تامپسون افسانه‌شناس آمریکایی در سال ۱۹۶۴ طبقه‌بندی

تیپ‌های افسانه‌ای را به انگلیسی ترجمه و ویرایش جدید آن را با افزوده‌هایی در دو جلد به سال ۲۰۰۴ منتشر کرد. وی تمامی قصه‌ها را ذیل سه طبقه قرار می‌دهد:

۱ تا ۲۹۹ قصه‌های حیوانات؛ ۳۰۰ تا ۱۱۹۹ قصه‌های به معنی اخص؛ ۱۲۰۰ تا ۱۹۹۹ قصه‌های شوخی و لطیفه‌ها؛ ۲۴۰۰ تا ۲۴۹۹ قصه‌های طبقه‌بندی نشده .

هر یک از این گروه‌ها به گروه‌های ریزتر تقسیم می‌شوند؛ مثلاً قصه‌های به معنی اخص به زیر گروه‌هایی تقسیم می‌شود: ۳۰۰ تا ۷۴۹ قصه‌های سحر و جادو؛ ۷۵۰ تا ۸۴۹ قصه‌های اولیا و شخصیت‌های تاریخی؛ ۸۵۰ تا ۹۹۹ قصه‌های مانند داستان کوتاه؛ ۱۰۰۰ تا ۱۱۹۹ قصه دیو ابله .

این مقوله‌های فرعی باز هم جزئی‌تر می‌شوند؛ تا آنجا که بر شمار معدودی دلالت کند؛ چنان‌که داستان گرگ و بزغاله شماره ۱۲۳ دارد؛ یعنی در گروه حیوانات است، از گروه فرعی حیوانات وحشی و خانگی و یا قصه سنگ صبور با شماره ۸۹۴ در گروه اصلی قصه به معنی اخص و گروه فرعی قصه‌های مانند داستان کوتاه و گروه کوچک‌تر وفاداری و بی‌گناهی می‌آید.

صرف‌نظر از شیوه مؤثر این تقسیم‌بندی، مبنای تقسیم‌بندی آرنه/تامپسون چندان روشن و منطقی نیست. قصه‌های حیوانات یا مسلسل نیز ممکن است لطیفه وار باشند. قصه به معنی اخص چه نوع قصه‌ای است که قصه‌های سحر و جادو و اولیا و شخصیت‌های تاریخی قرار می‌گیرند؟ اگر مبنای تقسیم‌بندی، تیپ‌هاست، چرا قصه‌های مسلسل که به نوع روایت بازمی‌گردد و قصه‌های شوخی که لحن، آنها را نشان می‌دهد، در این تقسیم‌بندی جزء گروه‌های اصلی هستند؟ ممکن است در قصه دیو ابله عناصر سحر و جادو هم باشد(که به فراوانی هست) در این صورت در کدام گونه جای می‌گیرد؟

بعدها، اولریش مارزلف، قصه‌شناس آلمانی، در سال ۱۹۸۴ کتاب «*Typologie Volksmarchens* Des Persischen» را به زبان آلمانی منتشر کرد که در سال ۱۳۷۱ به فارسی و با عنوان «طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی» ترجمه شد. مارزلف ۱۳۰۰ قصه ایرانی را براساس روش آرنه/تامپسون بررسی می‌کند و ۳۵۱ تیپ را ذیل هفت گروه پیشنهادی وی جای می‌دهد. کار مهم مارزلف جای دادن تعداد محدودی از انبوه قصه‌های ایرانی در تیپ‌شناسی آرنه/تامپسون و یافتن کد جهانی آنهاست.

نورتروپ فرای (۱۹۱۲-۱۹۹۱)، منتقد ادبی کانادایی، در کتاب *تحلیل نقد* (نگارش ۱۹۵۷) چهار قالب عمده برای ادبیات داستانی برمی‌شمرد: رمان (رمان واقع‌گرا یا رمان آداب و رسوم)؛ رمانس

منثور؛ اعتراف (حسب حال منثور)؛ تشریح. وی مبنای سنجش و طبقه‌بندی داستانهای تخیلی را قدرت عمل قهرمان آنها می‌داند و از این حیث پنج گروه داستان معرفی می‌کند:

۱. اسطوره، داستان پریان که قهرمان به لحاظ سنخی برتر از دیگر آدمها و محیط آنهاست؛
۲. رمانس که قهرمان به لحاظ مرتبه برتر از دیگر انسانها و محیط خویش است؛
۳. حماسه—تراژدی که قهرمان به لحاظ مرتبه برتر از دیگر آدمها و رهبران است، ولی از طبیعت برتر نیست (محاکات برتر)؛
۴. کم‌دی داستانهای رئال که قهرمان نه بر انسانهای دیگر برتری دارد و نه بر محیط خویش و مثل ماست؛

۵. وجه ته‌کمی یا طنزآمیز که قهرمان به لحاظ قدرت یا هوش، فروتر از ما باشد.

وی معتقد است وجوه داستانی چه تراژیک چه رکیک یا مضمون‌مدار با توجه به توالی تاریخی سیر می‌کنند؛ یعنی اسطوره، رمانس، محاکات برتر، محاکات فروتر و چه ته‌کمی یا طنزآمیز به لحاظ زمانی به دنبال هم می‌آید یا تعاقب زمانی دارد (فرای، ۱۳۷۷: ۹).

آندره یولس (۱۸۷۴-۱۹۴۶) در کتابی با عنوان **شکلهای ساده** (چاپ ۱۹۵۸) مستقل از کار فرمالیستهای روسی و پروپ از نه شکل ساده نام می‌برد که می‌توان با دقت به مناسبات این اشکال و دستور زبان شکلهای ادبی را یافت:

- | | | |
|----------------|-------------------|-----------|
| ۱. افسانه مقدس | ۲. افسانه پهلوانی | ۳. اسطوره |
| ۴. معما | ۵. کلام نغز | ۶. مثل |
| ۷. گزارش | ۸. حکایت | ۹. لطیفه |

وی قصد داشت در سالهای آخر زندگی‌اش با دگرگون کردن متن کتابش، قصه حیوانات را به عنوان دهمین شکل ساده بر آن بیفزاید. وی این نه گونه را نهایی و نظام بسته‌ای نمی‌داند (احمدی، ۱۳۷۰: ۱۴۹/۱). هنریک بکر، دوست و همکار یولس برای آن که مناسبات درونی این نه گونه را مشخص کند، نه شکل را در پنج شکل ساده سخن (پرسشی، خبری، امری، درخواستی و خاموش) و در دو شکل رئالیست و ایدئالیست جای می‌دهد:

پنج شکل ساده رنالیست: ۱. قصه‌های حیوانات (درخواستی) ۲. کلام نغز (امری) ۳. معما (خاموش) ۴. افسانه پهلوانی (خبری) ۵. مثل (پرسشی)

پنج شکل ساده ایدئالیست: ۱. حکایت (درخواستی)؛ ۲. افسانه مقدس (امری)؛ ۳. لطیفه (خاموش)؛ ۴. گزارش (خبری)؛ ۵. اسطوره (پرسشی).

این تقسیم‌بندی که هسته آن یافتن شکلهای ساده است، نمی‌تواند گویای تمامی انواع باشد. آیا کلام نغز (ضرب‌المثل)، گزارش (صرف داشتن مکالمه) و معما می‌توانند روایت داستانی به حساب آیند؟ چرا افسانه‌های مقدس و پهلوانی یک گونه شمرده نشده‌اند؟ مقصود از شکل خاموش و درخواستی چیست؟

وونت در کتاب روان‌شناسی مردم (به نقل از تقوی، ۱۳۷۶: ۲۲) تقسیم‌بندی زیر را برای قصه‌ها

پیشنهاد می‌کند:

۱. قصه‌ها و حکایات اساطیری؛

۲. قصه‌های خالص پریان؛

۳. قصه‌ها و حکایتهای زیستی؛

۴. حکایات خالص جانوران؛

۵. قصه‌های مربوط به پیدایش و آفرینش چیزها؛

۶. قصه‌ها و حکایات مطایبه‌آمیز؛

۷. حکایات اخلاقی.

پراوپ (۱۳۶۸: ۲۵) چندین ایراد را بر این طبقه‌بندی وارد می‌داند: مقصود وونت از حکایت نامعلوم است؛ داستانهای مطایبه‌آمیز از جهت قهرمان آنها هم قابل بررسی است؛ چرا حکایت خالص جانوران نمی‌تواند اخلاقی به شمار آید؟ علاوه بر آن، مبنای این تقسیم‌بندی در شماره‌های ۳ و ۵ و ۷ موضوع و مضمون، در شماره‌های ۲، ۴ قهرمان و در شماره ۱ ساختار آن است.

۴- طبقه‌بندی داستانهای فارسی

روشهای توصیف شده را می‌توان با توجه به انواع اعتبار در جدول زیر مشاهده کرد:

شماره	از نظر	روشها
۱	قالب	میرصادقی / فرای / یولس
۲	مضمون، درون‌مایه	جامع‌الحکایات / محبوب / میرصادقی / رحمانی
۳	بن‌مایه‌ها	آرنه / تامیسون / مارزلف
۴	قهرمانان (تیپها)	تنوخی / عوفی / عبید / فخرالدین صفی / فخرالزمانی / وونت
۵	حوادث	تنوخی / ابوالفتح مظفر / میرصادقی
۶	حجم	میرصادقی
۷	موضوع	عوفی / سعدی / حسینی

مهم‌ترین طبقه‌بندیها به ترتیب براساس قهرمانان، مضمون و درون‌مایه، قالب، موضوع و حوادث است. نویسندگان کلاسیک ایرانی اغلب به روش موضوعی و تیپها به طبقه‌بندی قصه‌ها پرداخته‌اند و پژوهشگران معاصر ایرانی ترجیح داده‌اند داستانها را با مضمون و درون‌مایه آن مطالعه کنند، ولی به هنگام دسته‌بندی گاه دچار آمیختگی برخی مباحث دیگر با مضمون نیز شده‌اند. علی‌رغم آن که منطقی‌ترین راه که در نظر اول به چشم می‌آید (اگر بخواهیم فقط یک نوع طبقه‌بندی داشته باشیم) طبقه‌بندی براساس قالب است که از سوی فرای، یولس و میرصادقی ارائه شده است.

اکنون با توجه به مکاتب، روشها و انواع دسته‌بندیهای یاد شده، قصه‌ها را به شانزده اعتبار تقسیم و زیر مجموعه‌های هر یک را ذکر می‌کنیم. مبنای تقسیم‌بندی ما چنین است:

۱- هر گروه داستانی بنا بر ساختار، محتوا، تیپها، منشأ، سبک و سطح ادبی تفکیک می‌شوند؛ به طوری که نتوان یک گروه را زیر مجموعه‌گروه دیگر قرار داد.

۲- طبقه‌بندی داستانها از زوایای مختلف، قابلیت بررسی منشوری و چند ضلعی آنها را فراهم می‌آورد؛ به گونه‌ای که با قرار دادن داستانی ذیل یک طبقه، مانع از مطالعه آن در گروه دیگر نمی‌شود؛ مثلاً وقتی داستان موش و گربه عبید را ذیل داستان حیوانات می‌آوریم، از جهات و ابعاد دیگر؛ از جمله محتوای آن که اخلاقی و اجتماعی است و سطح آن که ادبی و منظوم است باز نمی‌مانیم.

۳- مطلق‌گرایی مانع بررسیهای جامع داستانی می‌شود. هیچ‌گاه نمی‌توان گفت داستانی تنها متعلق به یک گروه است. همواره پیش از دسته‌بندی باید پرسید: «از چه نظر؟» تا بتوان پاسخی روشن داد. پرهیز و گریز از کلی‌نگری و جزم‌اندیشی، زمینه‌ساز مطالعه بهتر داستان است.

۴- همچنان که تمامی تقسیم‌بندیها اعتباری است؛ این تقسیم‌بندی نیز به چند اعتبار است و دایره اعتبارات چنان وسیع است که می‌تواند تمامی دیدگاهها درباره طبقه‌بندی داستان اعم از مضمون‌گرایان و ساخت‌گرایان را دربرگیرد.

۵- در این که چه عنصری از داستان (مضمون، شخصیت، سبک و ساختار، حوادث، ...) مهم‌تر است و سهم بیشتری دارد، اختلاف نظر زیاد است و چنان‌که دیدیم تنوع تقسیم‌بندی، زیاد است. مبنای این طرح ترجیح یک عنصر بر دیگری نیست، بلکه ارائه طبقه‌بندی جامعی برای توصیف بهتر داستانهای فارسی است.

۶- کار ما در این تقسیم‌بندی، ارائه طرح تازه‌ای نیست، بلکه سامان‌دهی، تنظیم و مرتب‌سازی طبقه‌بندیهای موجود در یک جاست.

۷- در ادب سنتی داستان، حکایت، قصه، تمثیل، افسانه، سرگذشت، اغلب مترادف یکدیگر به کار می‌رفته‌اند «بدون آن که برای تک تک آنها حد و رسم جداگانه و متفاوت از یکدیگر قائل شده باشند.» (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۲۳-۲۴). در این تقسیم‌بندی حد و مرزی برای هر یک قائل شده‌ایم.

۸- برخی پژوهشگران (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۲۵) تنها روایتهای مشور را جزء ادبیات داستانی می‌دانند و انبوه آثار منظوم داستانی را از گروه قصه‌های ایرانی خارج می‌کنند. قصه، قصه است؛ چه به شکل منظوم ارائه شود چه مشور. نظم و نثر، دو شکل زبانی و بیانی اثر است. عناصر قصه در نظم و نثر یکسان دیده می‌شود. در این تحقیق همه‌جا قصه‌های منظوم و مشور یکسان بررسی می‌شوند.

۹- هر داستان در یک ردیف اصلی قرار می‌گیرد که قابل انطباق با ردیفهای دیگر نیز هست؛ مثلاً داستان منطق‌الطیر در ردیف داستانهای حیوانات قرار می‌گیرد که ماهیت تمثیلی هم دارد.

۵- انواع داستان / قصه از نظر قالب

اصلی ترین دسته بندی داستان، بررسی و تعیین نوع آن از نظر قالب است. بقیه دسته بندیها، ذیل این دسته بندی توصیف می شوند. اغلب قصه شناسان نیز از این نظر به تفکیک انواع قصه/داستان پرداخته اند.

قصه بیشتر یادآور روایتهای شفاهی و قدیم است. قالبهای جدید را با عنوان داستان می شناسیم. داستان در معنای جدید آن، اغلب شامل نقل حوادثی است که با هم رابطه علی و معلولی دارند و به نحوی تابع توالی زمانی هستند.

قصه بر حوادث خارق عادت تکیه دارد تا پرورش شخصیت، پیرنگ ضعیف دارد و کلی گرای، مطلق گرای و ایستایی شخصیت از ویژگیهای آن است. قصه ها، ساختاری خطی و ساده دارند، زمان و مکان آنها فرضی است، زبان آنها به زبان مردم نزدیک است، حوادث زیاد و پی در پی و فاقد رابطه رابطه علی و معلولی است. بیشتر قصه ها پایانی خوش دارند.

انواع قصه ها عبارتند از: افسانه، اسطوره، مقامه، حکایت، متل، مثل

۵-۱. افسانه: قصه ای است حاوی سرگذشت یا رویدادی خیالی از زندگی انسانها، حیوانات، پرندگان یا موجودات وهمی چون دیو، پری، غول و اژدها که با رمز و رازها و گاه مقاصد اخلاقی و آموزشی توأم است و نگارش آن بیشتر به قصد سرگرمی و تفریح خوانندگان انجام می گیرد. وجه ممیز افسانه ها تخیل قوی و اغراق آمیز بودن آنهاست.

افسانه ها انواعی دارند: تمثیلی، پریان، پهلوانی، عاشقانه.

الف) افسانه تمثیلی: شخصیت این گونه افسانه ها حیوانات، انسانها و گاه اشیا هستند. افسانه تمثیلی دو سطح دارد: سطحی حقیقی و سطحی مجازی. تمامی داستانهای رمزی ادب فارسی چون منطق الطیر، آواز پر جبرئیل، عقل سرخ در این گروه قرار می گیرند.

افسانه تمثیلی بر اساس شخصیت انواعی دارد:

افسانه تمثیلی انسانی: اشخاص آن از آدمیان هستند؛ مثل شکارنامه، خیر و شر

افسانه تمثیلی غیر انسانی: اشخاص آن اغلب از حیوانات (فابل) یا اشیا و نباتات و یا امور انتزاعی و یا ترکیب آنهاست؛ مثل مرزبان‌نامه، شنگول و منگول، خاله سوسکه، موش و گربه (حیوانی) درخت آسوریک یا مو و میش (حیوانی-نباتی)، حسن و دل (امور انتزاعی)

ب) افسانه پریان: قصه‌هایی دربارهٔ پریان، دیوها، جنها، گولها، ازدها و دیگر موجودات ماوراءطبیعی، جادو و طلسم و طلسم‌گشایی و جادوگرانی است که حوادثی شگفت آور و خارق‌العاده را می‌آفرینند. بیشترین افسانه‌های فارسی از این نوعند. برخی از معروف‌ترین افسانه‌های فارسی عبارتند از: ماه پیشانی، نارنج و ترنج، نوش آفرین‌نامه، بوستان خیال، زرد پری سرخ پری، دختر شاه پریان.

ج) افسانه پهلوانی: قصه‌هایی که سراسر نبرد اغراق آمیز پهلوانان و قهرمانان واقعی و تاریخی یا خیالی را به تصویر می‌کشند. این نوع افسانه‌ها میان اسطوره و واقعیت معلقند؛ مثل شاهنامه، سمک عیار، اسکندرنامه، ابومسلم‌نامه، امیرارسلان، حسین کرد شبستری، حمزه‌نامه، حملهٔ حیدری.

د) افسانه عاشقانه: قهرمانان این نوع افسانه‌ها عشاق هستند. عاشق که تولدی خاص دارد، بادیدن خود معشوق در خواب یا بیداری و یا دیدن تصویر او عاشق می‌شود و با گذر از خطرات فراوان به معشوق می‌رسد یا ناکام از دنیا می‌رود؛ مثل خسرو و شیرین، ویس و رامین، بدیع‌الملک و بدیع‌الجمال، بهرام و گل اندام.

۵-۲: اسطوره: قصه‌ای است دربارهٔ خدایان، خلقت، رمز و راز آفرینش، خاستگاه و آغاز زندگی که ریشهٔ اصلی آنها اعتقادات دینی مردم قدیم است. اسطوره به خلاف افسانه، کمتر جنبهٔ اخلاقی دارد. در اسطوره اغلب به مظاهر طبیعت و رویدادها و آفتهای طبیعی، شخصیت انسانی داده شده و برای آنها ماجراهایی آفریده شده است؛ مثلاً در اساطیر ایرانی، آناهیتا، ایزد بانوی جنگ و نگهدار آب و ایزد تشرنگهبان باران است. اسطوره‌ها یا علت شناختی اند؛ مثل مشی و مشیانه یا شخصیتی مثل زال یا مربوط به جهان پس از مرگ، مثل اردوایراف‌نامه.

۵-۳: مقامه: قصه‌ای است منظوم و مثنوی به نثر فنی و مصنوع توأم با اشعار و امثال و آکنده از صنایع بدیعی که در مجالس عمومی به طور شفاهی القا یا به وسیلهٔ نویسندگان تحریر می‌شده است تا بعد توسط مجریان در برابر شنوندگان قرائت و اجرا شود. گویندگان مقامه، داستانهای خود را مانند شاعران،

ایستاده و قصاص، نشسته می خوانده اند و به همین دلیل، آنچه را ایستاده می خوانده اند «مقامه» و آنچه را نشسته می خوانده اند، «مجلس» می گفته اند. اغلب، مناظره دو قهرمان به قصد سرگرمی یا پندآموزی است؛ مانند **مقامات حریری، مقامات حمیدی**.

۵-۴: حکایت / لطیفه: قصه یا سرگذشت کوتاه، ساده، اخلاقی و گاه طنزآمیز به نظم و نثر که حوادث پیچیده و خارق عادت ندارد. حکایتها خلاف رمانس و افسانه بر حوادث شگفت انگیزی تأکید ندارند، بلکه ماجرای ساده را بیان می کنند که در جهت مقصود نویسنده باشد. حکایت اخلاقی که برای ترویج اصول مذهبی و درسهای اخلاقی نوشته شده، حقیقتهای کلی و غام را تصویر می کند و ساختار آن نه به مقتضیات عناصر درونی خود بلکه در جهت تحکیم و تأیید مقاصد اخلاقی گسترش می یابد و این قصد و غرض معمولاً صریح و آشکار است؛ مثل حکایتهای سعدی در بوستان و گلستان بیشتر حکایتهای قابوس نامه، بعضی از قصه های کلیله و دمنه، مرزبان نامه، جوامع الحکایات و لطایف عیب.

۵-۵: مثل: مثل قصه ای موزون، کوتاه و گاه مقفی، ساده و دنباله دار و گاه بی معنی است که هنگام بازیهای کودکانه یا نقل ماجرای سرگرم کننده و آموزشی به کار می رود؛ مثل **کک به تنور، بلبل سرگشته، دویدم و دویدم، شنگول و منگول، موش دم بریده، بزک چینی، گنجشکک اشی مشی**.

۵-۶: مثل، تمثیل و داستان مثل: مثلها بی آن که داستانی داشته باشند، خود شبیه قصه ای کوتاه هستند؛ برای نمونه «به روباه گفتند: شاهدت کو؟ گفت: دمم»، «مردی را به دار می بردند، زنش گفت: برگشتنی یک شلیته گلی برایم بخر». **داستانهای امثال** شامل داستانهای مشهوری می شود که در پس امثال نهفته است و به مناسبت نقل می شود؛ چنان که بخشی از آن (اغلب جمله پایانی) به صورت مثل بر جای مانده و ذکر این جزء، کل داستان را به یاد می آورد. مثل «دوستی اش به دوستی خاله خرسه می ماند» یادآور داستان مشهور آن است. به این گونه مثلها «**تمثیل**» نیز می گویند. تمثیل قصه کوتاهی است که برای تأیید منظور و بیان مقصود آورده می شود و در واقع تشبیهی گسترده است که معمولاً یک طرف آن (مشبه) حکایت و یا داستانی است و طرف دوم ممتول یا مورد نظر است. در گذشته داستان و مثل را مترادف هم به کار می بردند. چنان که سعدی در بیت زیر «مثل» را در معنی «داستان»

به کار برده است: گر از سعد زنگی مَثَل ماند و یاد / فلک یاور سعد بویکر باد (بوستان، دیباچه، ص ۳۹ بیت ۱۷۴) در شاهنامه به عکس «داستان» در معنی «مثل» بارها و بارها به کار رفته است: ولیکن شنیدم یکی داستان / که باشد بر آن رأی هم داستان

۶- انواع داستان از نظر ساختار روایی

- ۱- **خطی**: روایت طبق معمول و به شیوه عادی پیش می‌رود.
- ۲- **زنجیره‌ای / پلکانی**: هر بار روایت قبل تکرار و افزایش می‌یابد یا شخصیتها پی‌درپی از یکدیگر پرسش می‌کنند تا سرانجام به جواب اصلی برسند. متلها، ساختاری پلکانی دارند؛ مثل **خاله سوسکه**
- ۳- **داستان در داستان**: شیوه‌ای که نویسنده در سیر روایت اصلی، داستان دیگری را به قصد تعلیق، تأخیر انداختن کاری یا ذکر نتایج اخلاقی نقل می‌کند و در درون داستان فرعی داستان سومی را بازمی‌گوید؛ مثل **کلیله و دمنه، مثنوی مولوی، هزار و یکشب، طوطی‌نامه**
- ۴- **سرگذشت‌نامه**: قصه‌هایی که سیر روایت در قالب بیان سرگذشت واقعی یا تخیلی قهرمان است؛ مثل **چهار درویش، ابومسلم‌نامه، داراب‌نامه و حسین کرد**

۷- انواع داستانها از نظر مضمون و درون‌مایه

داستانها را به لحاظ مقصود، درون‌مایه و مضمون اصلی و غالب آن می‌توان به انواع زیر تقسیم کرد:

- ۱- **رزمی (پهلوانی)**: اساس این داستانها بر نبرد، وصف قهرمانیها و دلاوریهاست. بخشی از داستانها **حماسی** اند که محور آن یک قهرمان **ملی** مثل شاهنامه، یا **دینی** مثل خاوران‌نامه یا **تاریخی** مثل اسکندرنامه است.

بخشی دیگر **عیناری** و **شهبازی** اند؛ مثل **سمک‌عیار، داراب‌نامه و امیرارسلان**

۲- **عاشقانه**: **خسرو و شیرین، ویس و رامین، بدیع‌الملک و بدیع‌الجمال، بهرام و گل اندام**

۳- **عرفانی و فلسفی**: **پیرچنگی، منطق‌الطیر، حی بن یقظان، عقل سرخ**

۴- اخلاقی، آموزشی و اندرزی: شامل تمامی آثار حکایتی مثل بوستان و گلستان و قصه‌های اندرزی دینی و مذهبی مثل داستان ضامن آهو و حسنین. موضوعات اخلاقی را می‌توان به موضوعات مذموم، چون حسد، طمع، جهل، حساست، اسراف، دروغ و آزو... یا موضوعات اخلاقی ممدوح، چون زهد، سکوت، لطف، صبر و... تقسیم کرد.

۸- انواع داستانها از حیث منشأ جغرافیایی

از این دیدگاه که خاستگاه جغرافیایی و قومی داستان کجا بوده است:

۱- ایرانی: شامل آثار قبل از اسلام مثل ویس و رامین و درخت آسوریک و پس از اسلام مثل امیر ارسلان و افسانه‌های ملی مثل شاهنامه و گرشاسب نامه، همگی در این گروه قرار می‌گیرند.

۲- هندی: طوطی نامه، هیرورانجه، رام و سیتا

۳- یونانی: وامق و عذرا، سلامان و ابسال

۴- عربی: لیلی و مجنون، هزار و یک شب

۹- انواع داستانها از نظر پایان

بنابراین که پایان داستانها چگونه است و سرانجام قهرمان داستان چه می‌شود، داستانها بر دو گونه کلی اند:

۱- غم‌نامه (تراژدی/ مرگ نامه) که با مرگ نابهنگام و دلخراش قهرمان به پایان می‌رسد؛ مثل لیلی

و مجنون و رستم و سهراب.

۲- شادی‌نامه که داستان پایانی خوش دارد و قهرمانان به مقصود (وصال، سلطنت، ثروت)

می‌رسند؛ مثل: جهانگیرنامه.

۳- عبرت‌نامه: پایان داستان به مجازات خائن و ضد قهرمان ختم و مایه عبرت دیگران

می‌شود؛ مثل: عاق والدین.

۱۰- انواع داستانها از نظر چگونگی بیان

- ۱- معمولی و عادی: سمک عیار، ملک جمشید
- ۲- تمثیلی و رمزی: عقل سرخ، حسن و دل
- ۳- طنز آمیز، شوخی و لطیفه‌وار: لطایف الطوائف
- ۴- مناظره: دزد و قاضی، مو و میش، موش و گربه شیخ بهایی

۱۱- انواع داستانها از نظر سطح ادبی و زبان

- ۱- ادبی: کلیله و دمنه
- ۲- نیمه ادبی: بهار دانش
- ۳- عامیانه: حسین کرد شبستری

۱۲- انواع داستانها از نظر شکل ارائه

- ۱- منظوم: حُسن و دل
- ۲- منثور: بختیارنامه
- ۳- درهم: گلستان سعدی، زرد پری سرخ پری

۱۳- انواع داستانها از نظر قهرمانان و تیپها و شخصیتها

- اولیا، انبیا، قدیسان، امامان و امامزادگان: قصص الانبیا
- عرفا، صوفیان، مشایخ، مریدان، پیران: تذکرة الاولیا، اسرار التوحید
- عالمان، فقیهان، واعظان، معلمان، حکیمان، دانشمندان: قصص العلما
- قضات، محتسبان، شرطگان: دزد و قاضی
- شاعران، ادیبان، نویسندگان، فصحا: چهار مقاله
- زیرکان، تیزفهمان، بدیهه‌گویان، ظریفان: لطایف عبید زاکانی

- کودکان: **حسنین**
 - غلامان، کنیزکان، پرده‌داران، حاجبان، خواجهگان
 - حیوانات: **کلیله و دمنه، مرزبان‌نامه**
 - پادشاهان، امیران، وزیران، خلفا، والیان: **نصیحه الملوک**
 - صاحب‌منصبان، دیوانیان، منشیان، ندیمان، مستوفیان، سپاهیان، سرهنگان، جنگجویان
 - خواجهگان، ثروتمندان، بازرگانان، بزرگان، معروفان
 - رازیان، نقّالان، قصّه‌گویان، سخنوران، قوالان
 - عیاران، طرّاران، دزدان، راهزنان: **سمک‌عیار، دلیله محتاله**
 - جادوگران، رمالان، فالگیران، شعبده‌بازان، معرکه‌گیران، غیب‌گویان: **بوستان خیال**
 - هنرمندان، نقاشان، آوازخوانان، نوازندگان، مطربان
 - پریان، جنیان، دیوان، غولان: **شیرویه نامدار، خسرو دیوزاد**
 - پهلووانان، نام‌آوران، زورآوران، مشت‌زنان، کشتی‌گیران: **امیرارسلان**
 - دلقکان، عقلای مجانبین، بدیهه‌گویان، رندان، حاضر جوابان، ظریفان: **افسانه‌های بهلول**
 - ابلهان، نادانان، دیوانگان
 - سیّاحان، مسافران، کاروانیان، حج‌گزاران: **چهار درویش، هفت سیر حاتم**
 - کوران، کران، لوچان، لنگان، کلان: **قصّه حسن کچل**
 - روسپیان، لوطیان، امردان، قوادان، مختّان، حیّزان، زانیان
 - زنان، خواتین، دایگان: **طوطی‌نامه، سندبادنامه**
 - پرخوران، طفیلیان، طمّاعان، گدایان: **عبّاس دوس**
 - عشّاق: **همای و همایون، ملک جمشید**
 - کافران، بی‌دینان، بت‌پرستان، صاحبان ادیان
 - پیشه‌وران و صاحبان مشاغل (قصّابان، خیاطان، طبّاخان، قاریان، سیّاحان، معبران، منجمّان،
- اطبا، آهنگران، و...): **لطایف الطوائف**

۱۴- از نظر حجم

- ۱- کوتاه: شامل ۱۰ تا ۵۰۰ کلمه؛ مثل: لطایف عیید زاکانی، لطایف الطوائف
- ۲- متوسط: شامل ۵۰۰ تا ۵۰۰۰ کلمه؛ مثل: سلیم جواهری
- ۳- نیمه بلند: شامل ۵۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰ کلمه؛ مثل: جلال و جمال، حسن و دل
- ۴- بلند: شامل ۵۰۰۰۰ کلمه به بالا؛ مثل: سمک عیار، داراب‌نامه

۱۵- از نظر نحوه ارائه

- ۱- مکتوب: شامل داستانهایی که تنها صورت مکتوب دارند؛ مثل مرزبان‌نامه
- ۲- شفاهی: شامل آثاری که به صورت نقالی و قصه‌گویی (حمزه‌نامه)، نمایش (مهمانی رفتن حضرت زهرا) و تعزیه (بازار شام) اجرا می‌شوند، ولی می‌توانند مکتوب هم شوند.

۱۶- از نظر حوادث

- از این نظر که نویسنده، حوادث را بر واقعیتهای زندگی، تخیل، تلفیق یا شکلهای دیگر بنا نهد، داستانها به انواع زیر قابل تقسیم اند:
- ۱- حادثه‌پردازانه، شگفت‌انگیز، ماجراجویانه و غافل‌گیرانه: سمک عیار، فرج بعد الشدة
 - ۲- واقعی شامل: تاریخی (خضرخان و دولرانی)، نیمه تاریخی (رموز حمزه)
 - ۳- تخیلی: شامل داستانهای جادویی (بوستان خیال)، هراس‌انگیز (عجایب المخلوقات)

نتیجه‌گیری

تاکنون طبقه‌بندی مناسب و جامعی از داستانهای فارسی به عمل نیامده است؛ طبقه‌بندیهای موجود تنها از یک زاویه بوده و اغلب به اعتبارات گوناگون به هم آمیخته شده‌اند. با مطالعه مکاتب، روشها و انواع دسته‌بندی یاد شده، قصه‌ها را می‌توان به چندین اعتبار تقسیم کرد:

- ۱- قالبهای قصه: افسانه، حکایت، اسطوره، تمثیل، مثل؛ قالبهای داستان: داستان کوتاه (نوول)، داستان بلند، رمان، رمانس، نمایش‌نامه/فیلم‌نامه، داستانک

- ۲- ساختار روایت: خطی، زنجیره‌ای / پلکانی، داستان در داستان، سرگذشت‌نامه
- ۳- مضمون و درون‌مایه: پهلوانی، عاشقانه، عرفانی و فلسفی، اخلاقی و اندرزی
- ۴- منشأ: ایرانی، هندی، یونانی، عربی
- ۵- پایان: غم‌نامه (تراژیک)، شادی‌نامه، عبرت‌نامه
- ۶- سطح ادبی و زبان: ادبی (منظوم، مثنوی)، عامیانه
- ۷- از نظر چگونگی بیان: معمولی و عادی، تمثیلی و رمزی، طنز آمیز، شوخی و لطیفه‌وار، مناظره
- ۸- نحوه ارائه شفاهی: (نقالی، تعزیه، نمایش)، مکتوب
- ۹- حوادث: شگفت‌انگیز، واقعی (تاریخی، نیمه تاریخی)، تخیلی (جادویی، هراس‌انگیز)
- ۱۰- حجم: کوتاه، متوسط، نیمه بلند، بلند
- ۱۱- تیپها

کتابنامه

- ۱- آته، هرمان. (۱۳۵۶). *تاریخ ادبیات ایران*. ترجمه رضا زاده شفق. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۲- احمدی، بابک. (۱۳۷۰). *ساختار و تأویل متن* (۲ جلد). تهران: مرکز.
- ۳- انوشه، حسن. (۱۳۸۱-۱۳۸۴). *دانشنامه ادب فارسی*. ۷ جلد. جلد ۴. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۴- بهار، مهرداد. (۱۳۵۲). *اساطیر ایران*. تهران.
- ۵- بهابادی، محمد. (۱۳۸۲). *هزارگیسو*. چاپ دوم. یزد: انتشارات بهاباد.
- ۶- پراب، ولادیمیر. (۱۳۳۸). *ریخت‌شناسی قصه‌های پریان*. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: توس.
- ۷- تقوی، محمد. (۱۳۷۶). *حکایت‌های حیوانات در ادب فارسی*. تهران: روزنه.
- ۸- دهستانی، حسین بن اسعد. (۱۳۶۳). *ترجمه فرج بعد الشدة*. به تصحیح اسماعیل حاکمی. تهران: اطلاعات.
- ۹- رحمانی، روشن. (۱۳۸۰). *افسانه‌های مردم فارسی زبان*. شیراز: نوید شیراز.
- ۱۰- سرامی، قدم‌علی. (۱۳۶۸). *از رنگ گل تا رنج خار*. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۱- سعدی، مشرف‌الدین. (۱۳۸۱). *گلستان*. به تصحیح غلامحسین یوسفی. تهران: خوارزمی.
- ۱۲- _____ . (۱۳۸۱). *بوستان*. به تصحیح غلامحسین یوسفی. چ ششم. تهران: خوارزمی.

- ۱۳- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۲). *تاریخ ادبیات در ایران*. چاپ سوم. تهران: فردوسی.
- ۱۴- علی‌صفا، فخرالدین. (۱۳۷۳). *لطایف‌الطوائف*. به سعی و اهتمام احمد گلچین معانی. چاپ هفتم. تهران: اقبال.
- ۱۵- عوفی، سدیدالدین محمد. (۱۳۶۰-۱۳۷۰). *جوامع‌الحکایات و لوامع‌الروایات*. ۷ جلد. به کوشش مظاهر مصفا. امیربانو کریمی. اسماعیل حاکمی. محمد معین. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ۱۶- فرای، نورتروپ. (۱۳۷۷). *تحلیل نقد*. ترجمه صالح حسینی. تهران: نیلوفر.
- ۱۷- قاضی، ابوالفضل. (۱۳۵۷). *آورده‌اند که ...*. تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران.
- ۱۸- مارزلف، اولریش. (۱۳۷۱). *طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی*. ترجمه کی‌کاووس جهان‌داری. تهران: سروش.
- ۱۹- مجدی حسینی، مجدالدین. (بی تا). *زینت‌المجالس*. تهران: انتشارات علمی.
- ۲۰- محجوب، محمدجعفر. (۱۳۳۸). *داستانهای عامیانه*. ش ۱. تهران: سخن.
- ۲۱- _____ . (۱۳۸۶). *ادبیات عامیانه ایران*. به کوشش حسن ذوالفقاری. چاپ سوم. تهران: چشمه.
- ۲۲- منزوی، احمد. (۱۳۴۹). *فهرست نسخه‌های خطی فارسی*. تهران: مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای.
- ۲۳- _____ . (۱۳۷۴). *فهرست‌واره کتابهای فارسی*. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ۲۴- میرصادقی، جمال. (۱۳۷۶). *ادبیات داستانی*. تهران: سخن.
- ۲۵- _____ . (۱۳۷۶). *عناصر داستان*. تهران: سخن.
- ۲۶- یوسفی، غلامحسین. (۱۳۵۵). *دیداری با اهل قلم* (۲ جلد). ج اول. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.